



نقد جامعه‌شناختی رمان شیکاگو اثر علاء اسوانی بر پایه نظریه ساختارگرایی تکوینی

محمودرضا توکلی محمدی^۱، پژوهشگر پسادکتری دانشگاه تهران و استادیار دانشگاه فرهنگیان، پردیس
آیت الله طالقانی قم
محمدعلی آذرشب، استاد دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۰۵

چکیده

نقد جامعه‌شناختی، از نظریه‌هایی است که در عرصه تعامل ادبیات با علوم اجتماعی بروز یافته و سعی بر آن دارد تا رابطه میان ساختار ادبی و جامعه را بررسی نماید. مطابق این نظریه، میان متون ادبی و محیط اجتماعی که متن ادبی در آن متولد شده، تأثیر متقابلی وجود دارد. از یک طرف نویسنده در آفرینش متن ادبی خود از جامعه تأثیر می‌پذیرد و از طرف دیگر، متن تولید شده نیز بر محیط اجتماعی خود تأثیر می‌گذارد. جورج لوکاچ و لوسین گلدمن از مهم‌ترین نظریه‌پردازان این عرصه هستند. در پژوهش حاضر تلاش بر آن بوده تا به شیوه توصیفی - تحلیلی و بر پایه چارچوب نظری نقد جامعه‌شناختی، رمان "شیکاگو" اثر علاء اسوانی، نویسنده معاصر مصری بر پایه مکتب ساختارگرایی تکوینی گلدمن مورد بررسی و نقد جامعه‌شناختی قرار گیرد تا به پاسخ این پرسش کلی که "آیا این رمان قابلیت نقد در چارچوب نظریه ساختارگرایی تکوینی را دارد؟" دست یابد. در این زمینه تلاش شد تا این رمان در دو مرحله دریافت و تشریح و در زمینه‌هایی مانند شخصیت، درون‌مایه و بسترهای سیاسی و اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد. نتایج به دست آمده نشانگر این واقعیت است که اسوانی با اثرپذیری از محیط اجتماعی مصر در زمان ریاست جمهوری حسنی مبارک، تلاش نموده تا مشکلات قشر روشنفکر و تحصیل کرده مصر را چه در داخل و چه در خارج از کشور مورد نقد و بررسی قرار دهد. رمان‌های اسوانی و از جمله "شیکاگو"، بعد از انتشار، در آگاهی‌بخشیدن به ملت مصر نقش اساسی داشته و در به وجود آمدن انقلاب مصر تأثیر بسزایی داشته است.

کلیدواژه‌ها: نقد جامعه‌شناختی، ساختارگرایی تکوینی، گلدمن، علاء اسوانی، رمان شیکاگو.

مقدمه

جامعه‌شناسی ادبیات، به عنوان دانشی میان رشته‌ای، از یک سو با ادبیات و از سوی دیگر با علم جامعه‌شناسی ارتباطی تنگاتنگ و در هم‌تنیده دارد. در نقد جامعه‌شناختی، تلاش بر آن است تا ارتباط میان متن ادبی و جامعه مورد بررسی قرار گیرد تا بدین سان از یک طرف تأثیر جامعه و طبقات اجتماعی آن در شکل‌گیری و پیدایش متن ادبی مورد توجه قرار گرفته و از طرفی دیگر دیدگاه‌های فکری، عقیدتی، اجتماعی و سیاسی نویسنده (به عنوان عضوی از یک طبقه اجتماعی مشخص و نه به عنوان یک فرد از اعضای جامعه) و نقش آنها در آفرینش متن ادبی مورد بحث و نقد قرار گیرد.

«نخستین بارقه‌های نقد اجتماعی در آرای گروهی از منتقدان از جمله مادام دو ستال (۱۸۱۷-۱۷۶۶)، هیپولیت تن (۱۸۹۳-۱۸۲۸) و نیز برخی از فلاسفه همچون کارل مارکس (۱۸۸۳-۱۸۱۸) و فردریک انگلس (۱۸۹۵-۱۸۲۰) پدیدار شد و امروزه به عنوان یکی از شیوه‌های نقد ادبی به کار می‌رود» (کوثری، ۱۳۷۹: ۱۶). مادام دو ستال معتقد به وجود ارتباط میان ادبیات و نهادهای اجتماعی مانند دین، سیاست و اقتصاد و نیز قراردادهای اجتماعی مانند آداب و رسوم قومی و قوانین حاکم بر جامعه بود. اما «از نظر تن ادبیات بازتاب آداب و رفتار و خلیات عصر نویسنده است.

آثار ادبی نتیجه تعامل سه دسته عوامل هستند: زیستی، فرهنگی و تاریخی» (علایی، ۱۳۸۰: ۲۳). با پیدایش عقاید مارکسیستی و گسترش سریع آن در اواخر قرن نوزدهم میلادی و تحت تأثیر دیدگاه‌های کارل مارکس، اقتصاد دان و فیلسوف آلمانی (۱۸۱۸-۱۸۸۳)، دیدگاه‌ها و نظریات مارکسیستی سایه خود را بر بخش قابل توجهی از نظریه‌های جامعه‌شناختی و ادبی گسترده. «از نظر مارکس، اشکال گوناگون جامعه انسانی، در نهایت مبتنی بر ابزار تولید است و اقتصاد نیز زیربنایی است که سیاست، حکومت، قانون، هنر و سرانجام ادبیات را پایه‌گذاری میکند» (عسگری، ۱۳۸۶: ۴۷). لوکاج و به تبع وی گلدمن نیز کوشیدند تا مبانی نقد مارکسیستی را در نظریات خود به کار بندند.

پیشینه پژوهش

در مورد نقد جامعه‌شناختی در زبان و ادبیات عربی کتاب‌های ارزشمندی به نگارش درآمده که در این میان می‌توان به کتاب‌های "علم اجتماع الأدب مناهج و تطبیقات" نوشته ابراهیم فضل‌الله، "اتجاهات نظریة فی علم الاجتماع" اثر عبدالباسط عبدالعطی و "الأدب للشعب" از سلامة موسى اشاره نمود. در ایران نیز تاکنون در مبحث جامعه‌شناختی ادبیات عربی و به ویژه نوع رمان، مقاله‌های فراوانی نوشته شده که در این زمینه می‌توان به این موارد به عنوان نمونه اشاره نمود: "نقد جامعه‌شناختی رمان‌های سه‌گانه احلام مستغانمی" نوشته عزت ملا ابراهیمی و علی صباغیان، نشریه فرهنگ و هنر، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۳. در این مقاله نویسندگان بر آن بوده‌اند تا بر پایه رمانتیسیم جامعه‌گرا، رمان‌های مستغانمی را از منظرگاه نقد جامعه‌شناختی تحلیل نمایند. "نقد جامعه‌شناختی رمان أوراق عصام عبدالعاطی در مجموعه نیران صدیقه از علاء اسوانی" نوشته علی گنجیان و رضوان جمشیدیان، دوفصلنامه نقد ادب معاصر عربی، یازده پیاپی، ۱۳۹۴. نویسنده در این مقاله تلاش داشته تا در پرتو نقد جامعه‌شناختی، ضمن بررسی جنبه‌های زیبایی‌شناختی رمان، به نقد مضمون آن نیز که بی‌توجهی به استعدادهای درخشان در عرصه‌ی علم و هنر در جامعه مصری است، پردازد و در نهایت نیز اثبات می‌نماید که رمان‌های اسوانی در کنار آثار دیگر نویسندگان اجتماعی مصر مانند نجیب محفوظ در شکل‌گیری انقلاب مصر مؤثر بوده‌اند. در همین زمینه نیز می‌توان به مقاله‌های «نقد جامعه‌شناختی عمارت یعقوبیان»، «نقد جامعه‌شناختی رمان صیادون فی شارع ضیق» و «نقد جامعه‌شناختی داستان الدار الکبیره» اشاره نمود. این مقالات، علاوه بر مقاله‌ها و کتاب‌هایی است که در حیطه نقد جامعه‌شناختی رمان‌های فارسی به نگارش درآمده است؛ ولی با وجود فراوانی و ارزشمندی مقالاتی که در این زمینه به نگارش درآمده، تاکنون مقاله‌ای که به نقد جامعه‌شناختی رمان "شیکاگو" پردازد، به چاپ نرسیده است. مقاله حاضر درصدد است به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱. چه مسائلی باعث شده رمان شیکاگو قابلیت نقد جامعه‌شناختی بر پایه نظریه ساختارگرایی تکوینی را داشته باشد؟

۲. ایدئولوژی حاکم بر این رمان چیست و چه تأثیری بر محتوای آن داشته است؟

۳. نویسنده با چه شیوه‌ای از مسائل و مشکلات اجتماعی حاکم بر جامعه مورد بحث خود در رمان پرده برداشته است؟

چارچوب نظری پژوهش (شرح نظریه ساخت‌گرایی تکوینی گلدمن)

نقد جامعه‌شناختی، ادبیات را از جنبه فردی خود خارج کرده و آن را در گستره وسیع‌تری قرار می‌دهد که عبارت است از بررسی رابطه متقابل ادبیات و جامعه. در این رابطه، ادیب نیز هرچند به عنوان آفریننده اثر ادبی، جایگاه خود را دارد ولی این جایگاه، فردی و شخصی نیست و ادیب از این نظرگاه، نماینده طبقه اجتماعی خود به شمار می‌رود. «منتقدان و نظریه‌پردازان مختلفی در پیدایش سیر تکامل این علم سهیم‌اند؛ اما در این میان نقش جورج لوکاچ، منتقد مجارستانی و لوسین گلدمن، منتقد رومانیایی به دلیل ارائه نظریات جامع‌تر، بیش از دیگران است» (افضلی، ۱۳۹۵: ۵۸).

لوکاچ (۱۸۸۵-۱۹۷۱) نظریه خود را بر اساس رئالیسم واقع‌گرا بنا نهاد. «مکتب رئالیسم به منزله شکل یا فرم هنری‌ای است که به شایسته‌ترین نحو با مناسبات اجتماعی انطباق دارد» (مهرگان، ۱۳۸۸: ۶۰). لوکاچ بر این باور بود که جامعه و انسان کیان واحدی را تشکیل می‌دهند و رئالیسم واقعی باید از این دیدگاه به بررسی رابطه جامعه و انسان پردازد نه آنکه هریک را به صورت مستقل و جدا از هم بررسی نماید. رئالیسم لوکاچ ویژگی‌های منحصر بفردی دارد که باعث شده آن را رئالیسم اجتماعی یا رئالیسم بزرگ بنامد. این ویژگی‌ها عبارتند از:

پیروزی رئالیسم: به این معنا که واقعیت باید به عنوان یک اصل مسلم بر افکار و عقاید و جهت‌گیری‌های نویسنده غلبه نماید. «نویسنده باید با دلیری و بدون حب و بغض هرآنچه را در اطراف خویش می‌بیند صادقانه گزارش کند» (لوکاچ، ۱۳۸۴: ۱۶۹).

رنالیسم انتقادی: از نظر لوکاچ به این معنا است که نویسنده باید در اثر خود از تضادها و ناهنجاری‌های اجتماعی پرده برداشته و برانگیزاننده مردم باشد (ر.ک: همان: صص ۲۶۷-۲۵۸).

مردمی بودن: «مردمی بودن حقیقت ادبیات بزرگ باید بر این واقعیت استوار باشد که مسائل اصیل را در برترین سطح ممکن بیان کند و به گنّه عمیق‌ترین ریشه‌های درد و احساس و اندیشه و عمل آدمی راه یابد» (همان: ۲۶۳).

بعد از لوکاچ، لوسین گلدمن از شناخته‌شده‌ترین نظریه‌پردازان نقد جامعه‌شناختی به شمار می‌رود. گلدمن، دنباله‌رو نظریه‌های لوکاچ بود و به دیدگاه او مطالبی را افزوده و نظریه‌ای ارائه داد که آن را "ساخت‌گرایی تکوینی" نامید. «گلدمن به صراحت تمام، فاعل آفرینش‌های فرهنگی را نه یک فرد، بلکه جهان‌بینی یک جمع می‌داند که نویسنده به عنوان فردی برخاسته از میان جمع، به جهان‌بینی آن جمع، شکل هنری ویژه‌ای می‌بخشد» (گلدمن، ۱۳۷۱: ۳۲۱). طبق نظریه وی "جهان‌نگری" عبارت است از شیوه اندیشه و تفکر حاکم بر یک دوره مشخص زمانی یک ملت. مفهوم ساختار معنادار نخستین بار در نظریات گلدمن مطرح شد. «گلدمن مفهوم ساختار معنادار را علاوه بر توصیف وحدت ارگانیک اجزای یک اثر و ارتباط متقابل میان آنها، به معنای ساختار درونی اثر در نحوه انعکاس جهان‌بینی مستتر در آن نیز به کار می‌برد. یعنی اینکه جهان‌نگری فلان طبقه یا گروه اجتماعی چگونه در یک اثر ادبی به عنصر سازنده جهان‌نگری تبدیل شده است» (سلدن و ویدوسون، ۱۳۷۷: ۱۱۵-۱۱۳). «ساختار معنادار از نظر گلدمن، جهان اثر ادبی است که برای پاسخ‌گویی به یک موقعیت خاص آفریده شده و محقق با درون‌فهمی به آن دست می‌یابد» (طلوعی و رضایی: ۱۳۸۶: ۶).

گلدمن در روش ساخت‌گرایی تکوینی خود به فاعل‌های جمعی و فرافردی اعتقاد دارد. «گلدمن فاعل جمعی و فاعل فرافردی را آفریننده راستین محصولات فرهنگی و به خصوص آثار ادبی می‌داند. بنابراین در بررسی‌های جامعه‌شناختی، عناصر معنادار به صورت پدیده‌هایی کاملاً اجتماعی و نه فردی مطرح می‌شوند» (لوکاچ و فراروتی، ۱۳۷۷: ۲۲۴). او ارتباط بین انسان و جهان که بر پایه تأثیر و تأثر شکل می‌گیرد را «دیالکتیک»

نامید. «گلدمن مفهوم دیالکتیک را از مارکس گرفت» (شهبازی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۰). وی در نقد تکوینی خود مبحث آگاهی فعلی (واقعی) و آگاهی ممکن را مطرح می‌کند و معتقد است که پژوهشگر اجتماعی نباید توان خود را به شناخت آگاهی واقعی یعنی آنچه مردم در حال حاضر به آن می‌اندیشند محدود کند، بلکه باید دنبال آن باشد که سطح واقعی آن آگاهی را دریابد که افراد یک گروه یا طبقه به واسطه دریافت آن بتوانند طرز تفکر خود را تغییر دهند ولی در دل گروه خود تغییرات عمیق اجتماعی که باعث بهم‌ریختن ساختار طبقاتی آنها می‌شود را تحمل نمایند. در واقع در نقد اجتماعی، آگاهی ممکن به ماهیت خود گروه وابسته است. «ساخت‌گرایی تکوینی در مجموع بررسی ساختار اجتماعی-تاریخی دوره‌ایست که در محتوای اثر ادبی به آن پرداخته می‌شود. بنابراین هدف اصلی در این روش، یافتن پیوندهای میان متن (ادبی یا فلسفی) و جهان‌بینی بر پس‌زمینه تاریخی آنهاست» (علایی، ۱۳۸۰: ۲۷).

برای انجام این روش، گلدمن دو مرحله را معرفی می‌نماید؛ مرحله اول، دریافت نام دارد. در این مرحله، ناقد باید تلاش نماید تا متن ادبی را در چارچوب ساختار درونی آن درک نماید و در مرحله دوم که تشریح نامیده می‌شود تلاش بر آن است تا اثر ادبی در قالب ساختارهای سیاسی و اجتماعی و تاریخی و اقتصادی جامعه توضیح داده شود.

خلاصه‌ای از رمان شیکاگو

این رمان از سه داستان موازی تشکیل شده و اشتراک برخی شخصیت‌ها در این داستان‌ها، آنها را به هم پیوند داده است. یکی از این داستان‌ها قهرمانی به نام «ناجی عبدالصمد» دارد و شیوه روایت آن اول شخص است و به عبارت دیگر، این ناجی / اسوانی است که حوادث داستان را برای خواننده تعریف می‌کند. دو داستان دیگر به شیوه سوم شخص یا دانای کل روایت می‌شود. ناجی دانشجوی معترضی است که به علت مخالفت با حکومت حسنی مبارک، در مصر به مشکل برخورد و به ناچار برای ادامه تحصیل به شیکاگو می‌رود و در آنجا با مشکلات فراوانی دست به گریبان می‌شود

و درنهایت نیز به خاطر مخالفت با حکومت حسنی مبارک در آمریکا و به علت همکاری نهادهای امنیتی مصر و آمریکا، به جرم تروریست‌بودن دستگیر و روانه سرنوشتی نامعلوم می‌گردد.

شیماء محمدی، قهرمان داستان دیگر این رمان است. وی قهرمان پروبلماتیکی است که در فضایی مابین سنت و مدرنیته گرفتار شده و قادر به تشخیص مسیر خود نیست و پس از ارتباط با یکی از دانشجویان پسر مصری، ناخواسته شده و مجبور به سقط جنین می‌گردد. شخصیت دیگر این رمان و قهرمان داستان سوم، دکتر صلاح، استاد دانشگاه الینوی است و با همسر آمریکایی خود زندگی می‌کند. او با وجود زندگی طولانی مدت در آمریکا، هرگز نتوانست گذشته خود را فراموش کند و در نهایت نیز بعد از یادآوری خاطرات گذشته و به ویژه نامزد مصری خود، دست به خودکشی می‌زند. سایر شخصیت‌های رمان مانند دکتر رأفت و سرتیپ صفوت و کارول و گراهام و احمد دانه و... شخصیت‌های فرعی رمان هستند که در کنار شخصیت‌های اصلی ایفای نقش می‌کنند.

نقد جامعه‌شناختی رمان شیکاگو

همان‌گونه که گذشت، گلدمن به پیروی از لوکاچ و بر اساس نقد مارکسیستی، آثار ادبی را در دو مرحله دریافت و تشریح و در قالب نقد اجتماعی مورد بررسی قرار می‌دهد.

مرحله نخست: دریافت

پیش از جستجوی پیوندهای اثر ادبی و طبقات اجتماعی دوران نگارش آن، باید خود اثر و معنای درونی و ویژه‌اش را دریافت و درباره آن، در مقام جهانی مشخص از افراد و اشیای آفریده نویسنده‌ای که از رهگذر اثر با ما سخن می‌گوید، به ارزیابی زیبایی شناختی پرداخت (گلدمن، ۱۳۷۶: ۲۵۳). در این مرحله مواردی از قبیل موضوع رمان، شخصیت‌های آن و میزان آگاهی آنها از مسائل جامعه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف. ساختارهای معنادار در رمان شیکاگو

ساختارهای معنادار رمان‌های اجتماعی در دل درون‌مایه رمان، شکل می‌گیرند. «درون‌مایه، فکر اصلی و مسلط هر اثری است؛ خط رشته‌ای که در خلال اثر کشیده می‌شود و وضعیت و موقعیت‌های داستان را به هم پیوند می‌دهد. به بیان دیگر، درون‌مایه را به عنوان فکر و اندیشه حاکمی تعریف کرده‌اند که نویسنده در داستان اعمال می‌کند؛ به همین جهت است که می‌گویند درون‌مایه هر اثری، جهت فکری و ادراکی نویسنده‌اش را نشان می‌دهد» (میرصادقی، ۱۳۸۰: ۱۷۴). درون‌مایه «تم» معنی زیرین و پیامی است که نه از زبان شخصیت‌ها بلکه با کنش و محتوای داستان منتقل می‌شود (جزینی، ۱۳۷۸: ۳۹).

در رمان شیکاگو، ایدئولوژی نویسنده یعنی اسوانی، به عنوان نماینده قشر روشن‌فکر و تحصیل‌کرده مصری در خارج از مصر، عنصر اصلی شکل‌دهنده رمان است؛ امری که با دیدگاه گلدمن در نظریه ساختارگرایی تکوینی در انطباق کامل قرار دارد. از آنجا که اسوانی، خود در شیکاگو تحصیل کرده، به عنوان یک دانشجوی معترض مصری از نزدیک با تمامی مسائل و مشکلات یک روشنفکر مصری که در خارج از کشور درس می‌خواند دست به گریبان بوده و از طرفی با تقابل ارزش‌های سنتی و فرهنگی خود با مدرنیته حاکم بر جامعه آمریکا نیز درگیر بوده، همین امر را مبنای نگارش رمان شیکاگو قرار داده است.

در این رمان می‌توان شاهد مجموعه‌ای از شخصیت‌های پروبلماتیک و تماتیک که بیشتر آنها مصری و تحصیل‌کرده هستند، بود که هر یک به گونه‌ای از این تعارض و تقابل فرهنگی رنج می‌برند و به جای تلاش برای رسیدن به راه‌حلی برای برون‌رفت از این تعارض، در نهایت یا در مدرنیته آمریکا غرق‌شده و یا به خاطر عدم توانایی در بازگشت به خویش، دست به خودکشی یا فرار از واقعیت می‌زنند و یا توسط نهادهای امنیتی از صحنه حذف می‌گردند.

از آنجا که آوردن متن‌هایی از رمان در تأیید این ادعا، نیازمند صفحات فراوانی است به آوردن موردی مطالبی که بر اثبات درون‌مایه ایدئولوژیک رمان صحنه می‌گذارد بسنده

می‌شود: الف. صحبت‌های رأفت ثابت علیه مصر و مصریان (اسوانی، ۲۰۰۷: ۲۸ و بعد) ب. اشاره به فساد اداری در مصر و مقایسه آن با آمریکا (همان: ۱۲۸ و بعد) ج. ارتباط دادن عقب‌ماندگی مصر به دین اسلام. (همان: ۱۶۵) د. مقایسه مصر و آمریکا و تقابل سنت با مدرنیته. (همان: ۲۳۱ و بعد) ه. وجود تبعیض در مصر به خاطر عقاید دینی و مذهبی. (همان: ۲۴۲) و. اشاره مستقیم به ناهنجاری‌های اجتماعی در مصر. (همان: ۳۸۳ و بعد) ز. نقد مستقیم حکومت جمال عبدالناصر و حسنی مبارک و زیر سوال بردن آنها. (همان: ۳۸۴ و بعد) که در مرحله تشریح، این موارد مورد بررسی دقیق‌تر قرار خواهند گرفت.

ب. شخصیت‌ها و آگاهی آنان

ویرجینیا وولف درباره اهمیت شخصیت در رمان می‌گوید: من معتقدم سروکار همه رمان‌ها فقط با شخصیت است و فقط برای طرح و ترسیم شخصیت است که قالب داستان را طرح افکنده‌اند (آلوت، ۱۳۸۰: ۵۰۳). ژان پل سارتر نیز معتقد است: اندیشه و نظریه‌ای در رمان وجود ندارد مگر اینکه از طریق روابط شخصیت‌ها با یکدیگر بیان شده باشد (سارتر، ۱۳۷۰: ۹۱ و ۹۲). به نظر جرج لوکاچ، شخصیت، مانند تمامی جهان رمان، در تسلط نویسنده است و نمی‌تواند از خویش هیچ توانایی در صحنه رمان نشان دهد، مگر با اراده نویسنده. گلدمن در شخصیت رمان، نماینده گروه یا طبقه اجتماعی بودن را می‌بیند و باختین، برای شخصیت رمان، استقلال و فعالیت آزادانه قائل می‌شود و تسلط نویسنده بر شخصیت را باعث محدود شدن عرصه مکالمه در رمان می‌شمارد. آنچه در همه این رویکردها به وضوح عیان است، اهمیتی است که شخصیت و شخصیت‌پردازی در نقد جامعه‌شناختی رمان دارد (عسگری حسنگلو، ۱۳۸۵: ۱۱۲).

رمان واقع‌گرای اجتماعی این ویژگی را دارد که کردار و شرایط شخصیت‌ها را بر مبنای موقعیتی تاریخی و اجتماعی، به شیوه‌ای حقیقی، موضوع و مضمون خاص خود قرار دهد (نصر اصفهانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۵۸). رمان شیکاگو یک قهرمان واحد ندارد و باید آن را در دسته رمان‌های با شخصیت‌های متعدد قرار داد. «برخی از شخصیت‌ها، شخصیت‌های تماتیک هستند و تنها در خدمت بیان و القای درون‌مایه داستان هستند...

و معمولاً نویسنده بسیاری از پیام‌ها و جنبه‌های درون‌مایه داستان خود را از طریق شخصیت‌های فرعی در کشاکش ارتباط آن‌ها با یکدیگر و شخصیت اصلی نشان می‌دهد و برای اینکه جلب توجه نکند خودش را پشت این شخصیت‌ها پنهان می‌کند» (جزینی، ۱۳۷۸: ۳۹).

از زاویه‌ای دیگر، رمان شیکاگو را باید در زمره رمان‌های "مکان قهرمان" دانست. چرا که تمامی حوادث رمان در بستر یک مکان حقیقی و حاضر - شیکاگو - و یک مکان غیر حاضر - مصر - به وقوع می‌پیوندد. در کنار این قهرمان اصلی، در داستان شاهد حضور شخصیت‌های متعددی هستیم که هر یک تماتیک بوده و کاربرد نمادگونه‌ای دارند که البته این امر یکی از ویژگی‌های اصلی رمان‌های اجتماعی است.

در رمان شیکاگو، احمد دنانه نمادی از طبقه تحصیل کرده و در عین حال سرسپرده دولت مستبد است. طارق و شیما نماد طبقه تحصیل کرده‌ای هستند که به دور از مسائل سیاسی و در انزوای فکری از جامعه زندگی می‌کنند. دنیس بیکر، استاد سالخورده آمریکایی، نماد طبقه‌ای اجتماعی از غرب است که به دور از تعصبات قومی و نژادی عمل می‌کند و حقیقت و عدالت را دغدغه اصلی خود می‌داند. کارول، زن سیاه‌پوست آمریکایی و همسر گراهام، نماد جامعه سیاه‌پوست آمریکاست که از انواع تعصبات نژادی و حق‌کشی‌ها به خاطر رنگ پوست خود رنج می‌برد. رأفت ثابت، نمادی از روشنفکران مصری است که در برابر زیبایی‌های ظاهری غرب، اصالت خود را باخته و در باتلاق غرب‌زدگی و شرق‌گریزی غرق شده‌اند و راه نجاتی ندارند. دکتر صلاح، نماد آن دسته از مصریانی است که با وجود زندگی در غرب، اصالت خود را فراموش نکرده و منتظر جرقه‌ای هستند تا باز به اصل خویش بازگردند. ناجی عبدالصمد، نمادی است از قشر تحصیل کرده و مخالف استبداد و حکومت‌های مستبد است که از جان و مال خود گذشته‌اند تا جامعه را به مسیر عدالت و حقیقت بازگردانند. صفوت شاکر نمادی از قدرت نظامی و اطلاعاتی حاکم بر مصر است که زمام امور را در دست داشته و با تهدید و تشویق و هر آنچه در اختیار دارد تلاش می‌کند تا صدای معترضان را در گلو خفه نماید. در نهایت دکتر کرم دوس نمادی از اقلیت قبطی مصر است که با وجود

استعدادهای فراوان و علی‌رغم عشقی که به وطن دارد، به خاطر دیدگاه‌ها و عقاید خاصش، مورد ظلم و ستم قرار گرفته و از تمامی حقوق عادی یک شهروند مصری محروم شده است. بنابراین می‌توان در رمان شیکاگو با ساختاری معنادار مواجه بود. رمان بر پایه اعتراض نگاشته شده، اعتراضی که در گلوئی شخصیت‌هایی پروبلماتیک فشرده شده و گاه به فریادی رسا تبدیل می‌شود و گاهی به صورت خودکشی، فرار از واقعیت، گریه و... خود را نشان می‌دهد. قهرمانان داستان هریک نمادی از طبقه اجتماعی خود با همه ویژگی‌های واقعی آن طبقه هستند و جهان‌بینی حاکم بر داستان، با آنچه در جهان واقعی - مصر و آمریکا - در جریان است، تطابق کاملی دارد. در کنار تمامی این موارد، اسوانی در ارائه شخصیت‌های داستان و معرفی آنها چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیر مستقیم به خوبی عمل کرده و روابط حاکم بر ارتباط شخصیت‌ها با یکدیگر در رمان و ارتباط میان آنها در قالب تک‌گویی و... نیز به شیوه‌ای هنرمندانه ارائه شده که باعث تحکیم و استواری جنبه‌های ادبی این رمان شده است.

ج. قهرمان پروبلماتیک و آگاهی‌های فردی و اجتماعی

گلدمن قهرمان رمان را «شخصیت پروبلماتیک» می‌نامد. «اصطلاح شخصیت پروبلماتیک را نه به معنای فرد مسأله‌ساز، که به معنای شخصیتی به کار می‌بریم که زندگانی و ارزش‌هایش او را در برابر مسائل حل‌نشده‌ای که نمی‌تواند آگاهی روشن و دقیقی از آنها به دست آورد، قرار می‌دهند و این ویژگی است که قهرمان رمانی را از قهرمان تراژیک جدا می‌کند» (گلدمن، ۱۳۷۱: ۲۶۰).

یکی از ویژگی‌های بارز رمان‌های اجتماعی، پویا بودن شخصیت‌های آن و عدم انفعال در برابر رخداد‌های جامعه است. در رمان شیکاگو اگر از شخصیت‌هایی مانند شیما و طارق که با توجه به موقعیت اجتماعی خود در رمان، شخصیت منفعل به شمار می‌آیند، صرف نظر شود، سایر شخصیت‌های رمان همگی افرادی پویا و درگیر در مسائل اجتماعی و سیاسی عصر خود هستند. این افراد در رمان در مورد مسائل جامعه

دیدگاه خاص خود را دارند، با هم مباحثه می‌کنند و حتی این صحبت‌ها گاهی منجر به درگیری لفظی و بدنی نیز می‌گردد. به عنوان نمونه زمانی که ناجی با یکی از هم‌دانشکده‌ای‌ها در مورد برخی مسائل شخصی که نمادی است از رابطه اعراب با اسرائیل به گفتگو و مجادله مشغول می‌شود در نهایت چاره‌ای جز درگیری بدنی با وی نمی‌یابد: «... این بار نتوانستم جلو خود را بگیرم، ناگهان یقه پیراهنش را گرفته و فریاد زدم: مؤدب باش و گرنه سرت را متلاشی می‌کنم. من با دست راستم او را گرفتم و خوشبختانه دست چپم آزاد بود چون او با لگد به شکم کوبید و من به عقب پریدم و اینکار باعث شد شدت ضربه گرفته شود... او را به سمت خود کشیدم و با دست راست مشت‌های به صورتش کوبیدم... و خون از بینش فوران کرد». (اسوانی، ۲۰۰۷: ۲۸۴).

اسوانی به خوبی توانسته است ضمن حفظ شخصیت‌های رمان خود در چارچوب گروه‌هایی که برای آنها آفریده (آگاهی فعلی)، این شخصیت‌ها را در مباحث و چالش‌های سیاسی - اجتماعی فراوانی درگیر نماید. هرچند هیچ کدام از شخصیت‌های رمان، در پایان دچار تحولی که منجر به تغییر طبقه اجتماعی آنها گردد، نمی‌شوند ولی در سطح آگاهی‌های آنها تغییراتی حاصل می‌گردد که منجر به برخی جهت‌گیری‌های بعضاً نامحتمل از آنها می‌شود. این امر در سطح انتقال داده‌ها از مرحله آگاهی فعلی به آگاهی ممکن رخ می‌دهد. اسوانی به خوبی توانسته است این انتقال را در رمان خود نشان دهد. سخنرانی دکتر صلاح در مقابل حسنی مبارک و عدم توانایی وی در خواندن متنی اعتراضی که از قبل برای آن آماده شده بود از این جمله است. او که به عنوان عضوی از انجمن مخالفان مبارک قرار بود سخنرانی تند و آتشینی را علیه وی ارائه دهد اینگونه سخنان خود را آغاز می‌کند: «سرور ارجمند و رئیس جمهور گرامی؛ به از جانب خود و به عنوان نماینده تمامی مصری‌های مقیم شیکاگو به شما خیر مقدم عرض نموده و با همه وجود از شما بخاطر آنچه برای مصر انجام داده‌اید تشکر می‌کنیم.» (همان: ۴۳۰)، اختلاف دیدگاه مصریان ساکن آمریکا در مورد مصر و گفتگو و اعلام عقیده و تغییر جهت‌گیری در این زمینه و حتی مقایسه آمریکا و مصر توسط شیماء و شک وی به اعتقادات قبلیش نمونه‌ای از این انتقال داده‌ها و تغییر سطح آگاهی فعلی به آگاهی

ممکن است که یکی از ویژگی‌های نقد ساخت‌گرایی تکوینی لوکاچ به شمار می‌رود. به عنوان نمونه به این سخنان شیماء که به عنوان یک مسلمان معتقد و مذهبی و مخالف سرسخت سیاست‌های آمریکا وارد این کشور شده می‌توان اشاره نمود: «آیا خداوند تبارک و تعالی اعمال ما آمریکایی‌ها را به گونه‌ای متفاوت جزا می‌دهد؟ آمریکایی‌ها بدترین گناهان را انجام می‌دهند... ولی گویا خداوند از آنها عصبانی نیست چون به جای عذاب به آنها ثروت و علم و قدرت داده تا قدرتمندترین کشور دنیا شوند... چرا وقتی ما مسلمانان گناهی انجام می‌دهیم خداوند ما را عذاب می‌کند ولی با آمریکایی‌ها تا این حد نرمش به خرج می‌دهد؟» (همان: ۴۳۱) بنابراین می‌توان شاهد رمانی سیاسی اجتماعی بود که در آن از تقابل سنت و مدرنیته، اختلاف دیدگاه‌ها، تبعیض، محرومیت از حقوق اجتماعی به خاطر عقاید مذهبی یا سیاسی، دیکتاتوری و استبداد داخلی و مسائلی از این دست سخن به میان آمده و حوادث رمان پیرامون این محورها می‌گردند و به تبع آن ساختارهای سیاسی و اجتماعی رمان بر پایه این موارد شکل می‌گیرد. در نتیجه در رمان طبقه‌های مختلفی مانند افراد آزادی‌خواه، قربانیان تبعیض نژادی و دینی، منفعت‌طلبان، سنت‌گرایان و افراد از خودبیگانه را می‌توان دید که در پی آن، پارادوکس‌ها و متغیرهای مختلفی را شکل می‌دهند که مهم‌ترین آنها در تقابل جامعه سنتی مصر با جامعه مدرن آمریکا از یک طرف و تقابل قشر تحصیل‌کرده و روشن‌فکر مصری با حکومت یک‌سونگر و دیکتاتورمآب حسنی مبارک از طرف دیگر نمود می‌یابد.

رمان نیز در ابتدا با این تقابل‌ها و تضادها شروع می‌شود ولی در نهایت، نه تنها نتیجه مطلوب خواننده، یعنی موفقیت و پیروزی مخالفان حکومت حسنی مبارک، به وقوع نمی‌پیوندد، بلکه برعکس این نظام حکومتی است که با همکاری نهادهای امنیتی آمریکا، موفق به حذف فیزیکی و فکری مخالفان خود می‌گردد. جدول زیر خلاصه نتایج به دست آمده از دو مبحث اخیر را نشان می‌دهد:

نوع آگاهی	نماد	شخصیت
آگاهی ممکن (پیوسته در تلاش برای تغییر شرایط است)	قشر تحصیل کرده ولی سرسپرده حکومت و تحت فرمان آن	احمد دنانه
آگاهی فعلی (تلاشی برای تغییر وضعیت، دیده نمی‌شود)	قشر تحصیل کرده ولی بی تفاوت به مسائل سیاسی و اجتماعی	طارق و شیما
آگاهی ممکن...	سیاه‌پوستان آمریکا	کارول (زن سیاه‌پوست)
آگاهی فعلی...	قشر روشنفکر و خودباخته	رأفت ثابت
آگاهی ممکن...	قشر روشنفکر و مبارز	ناجی عبدالصمد
آگاهی ممکن...	قشر روشنفکر و سرخورده	دکتر صلاح

د. دگرگونی شخصیت‌های رمان

از آنجا که رمان‌های اجتماعی منطبق بر حوادث واقعی جامعه نوشته شده‌اند، می‌توان در آن شاهد دگرگونی و تحول منطقی شخصیت‌ها و قهرمانان داستان بود. این امر در رمان‌های اجتماعی نه تنها عادی، که مورد توقع و انتظار خواننده است.

هرچند اسوانی، ابتدا و انتهای زمانی رمان را مشخص ننموده، اما از روند اتفاقات داستان این‌گونه برمی‌آید که حوادث رمان در یک فاصله کوتاه زمانی - حداکثر یک سال - به وقوع پیوسته باشد. با این وجود در شخصیت‌های رمان دگرگونی‌های اساسی و منطبق با واقعیت‌های جامعه (مصر و آمریکا) به وقوع می‌پیوندد. خودکشی دکتر صلاح، از هم‌پاشیدگی زندگی آرام دنیس بیکر، کشته شدن دختر دکتر رأفت ثابت، دستگیری ناجی عبدالصمد، طلاق دکتر دنانه از همسرش، باردار شدن شیما و سقط جنین وی و... از جمله دگرگونی‌هایی است که شخصیت‌های رمان با آن دست به گریبان می‌شوند.

در زمینه شیوه اندیشه و ایدئولوژی شخصیت‌ها باید گفت که شخصیت‌های اصلی رمان از ابتدا تا انتهای آن بر همان دیدگاه‌های فکری خود باقی مانده و تحولی اساسی در طرز فکر و جهان بینی آنها مشاهده نمی‌شود که البته این امر به خاطر محدودیت فاصله

زمانی که حوادث رمان در آن اتفاق می‌افتد، عادی است. با توجه به آنچه در مورد شخصیت‌های رمان اتفاق افتاده، باید گفت که اسوانی توانسته آینده‌ای محتمل را برای شخصیت‌هایش رقم بزند، به گونه‌ای که خواننده تعارضی میان آنچه در رمان اتفاق افتاده با آنچه ممکن است در عالم واقع رخ دهد، نمی‌یابد و این امر بر ارزش هنری اثر وی می‌افزاید.

مرحله دوم: تشریح

طبق نظریه گلدمن، در مرحله تشریح، ساختار سیاسی-اجتماعی جامعه در دل ساختار اثر ادبی مورد بررسی و تشریح قرار می‌گیرد. در این زمینه باید به مسائلی مانند بسترهای تاریخی، سیاسی و اجتماعی که رمان در آن شکل گرفته، آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی قهرمانان رمان، اعتراض به وضع موجود و مسائلی از این دست و میزان انطباق آنها با واقعیت‌های جامعه توجه شود.

الف. بررسی بستر تاریخی، سیاسی و اجتماعی رمان شیکاگو

اسوانی حوادث داستان را در سال‌های آخر ریاست جمهوری حسنی مبارک نگاشته است. سال‌هایی که مصر به ظاهر با حکومت جمهوری و در واقع با دیکتاتوری به نام مبارک و به صورت استبدادی اداره می‌شد. «مبارک در طول دوران حکومت خود، برای پیشبرد اهداف سیاسی از جمله مشروعیت‌بخشی به نظام حکومتی‌اش از ارتش که نهادی غیرمردمی بود حمایت و پشتیبانی می‌کرد. در دوره زمانی ۱۹۵۲ تا ۱۹۷۰م، ارتش مصر در نهادهای دولتی و تصمیم‌گیری سیاسی به‌طور مستقیم مداخله می‌کرد. به تدریج از دهه ۱۹۷۰م، نقش تابع نظام جمهوری برای نیروهای مسلح ساخته شد و رهبران سیاسی از منافع نظامیان پاسداری کردند» (ماضی، ۲۰۰۸: ۸۷). سیطره نهادهای سیاسی و امنیتی بر تمامی زوایای زندگی مردم، ترس از دولت، فساد اداری و سیاسی، رواج رشوه‌گیری و انجام کارها بر اساس روابط و نه ضوابط از مهم‌ترین ویژگی‌های جامعه مصری در این

سال‌ها است. «نیروی محرک بسیج انقلابی مصر، جنبش جوانان یا اقلشار اجتماعی متشکل از دانشجویان و فارغ‌التحصیلانی بودند که از اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور راضی نبودند» (المدینی، ۲۰۱۱: ۱۱).

با توجه شرایط سیاسی اجتماعی مصر و نیز نمادین بودن شخصیت‌های رمان می‌توان سرتیب صفوت را نمادی از سیطره نظام امنیتی بر زندگی افراد دانست. اسوانی وی را نماینده موفق‌تری از افسران نظامی طرفدار حکومت مصر معرفی می‌کند. فردی که برای پیروزی و سربلندی حکومت حسنی مبارک از تمامی راه‌های شکنجه استفاده می‌کند تا جایی که برای گرفتن اعتراف از متهم، حتی به اموری مانند تعرض به همسر یا مادر یا دختران فرد متهم نیز دست می‌زند. «صفوت همسر یا مادر یا خواهر متهم را دستگیر می‌کرد و به سربازان خود دستور می‌داد لباس‌های آن زن را به تدریج از تن او خارج کنند... تا جایی که متهم به تمامی موارد خواسته شده از وی اعتراف می‌کرد» (اسوانی، ۲۰۰۷: ۳۰۰). با احترام فراوان، با توجه به زبان مقاله و نیز در نظر گرفتن این نکته که هدف از آوردن این نمونه‌ها، آشنایی خواننده با مضمون است و نه شیوه نگارش نویسنده، ضروری می‌نماید که مطالب مدنظر در رمان، به صورت ترجمه به خواننده ارائه گردد تا برای تمامی مخاطبین مقاله و نه فقط دانش‌جویان و دانش‌آموختگان و اساتید رشته عربی، قابل استفاده باشد. این امر در تمامی مقاله به همین صورت انجام گرفته است. اگر متن اصلی رمان در مقاله آورده شود لازم است تمامی آنها در پی‌نوشت ترجمه شوند و این امر تعداد صفحات مقاله را بی‌جهت اضافه می‌نماید. مستدعی است در این امر - یعنی ارجاع به متن اصلی رمان به زبان عربی - تجدید نظر فرمایید. با سپاس فراوان

«فروپاشی حکومت مبارک محصول استمرار و انباشت سه دهه حاکمیت ترور و وحشت، به‌کارگیری قانون اضطراری، محدودیت حقوق مدنی و سیاسی شهروندان و احزاب، فساد سیاسی مقامات و فقدان انتخاب آزاد و رقابتی و گسترش تقلب به منظور ممانعت از ورود مخالفان و همین‌طور استقرار نظامی حامی‌پروری بوده است» (نبوی، ۱۳۹۴: ۳۰). نمونه این امر در رمان نیز به خوبی مشهود است. هنگامی که صفوت شاکر بدون اجازه وارد آپارتمان ناجی می‌شود در جواب اعتراض ناجی می‌گوید: «خودم را

برای نوشیدن فنجان قهوه با تو دعوت کردم» (أ سوانی، ۲۰۰۷: ۳۵۶). در ادامه و بعد از صحبت‌های ناجی و صفوت، وی اینگونه از جانب صفوت تهدید می‌شود: «اگر دست از جمع کردن امضا [علیه حسنی مبارک] برنداری، با تو کاری می‌کنم که به مخیلهات نیز خطور نمی‌کند» (همان).

سرسپردگی پنهان حکومت مصر به کشورهای غربی به ویژه آمریکا و فاصله گرفتن از مردم و از دست دادن جایگاه مردمی دولت نیز از دیگر ویژگی‌های سال‌های ریاست‌جمهوری حسنی مبارک بر مصر به شمار می‌رود. «مزدوری مبارک برای آمریکا یکی از مهم‌ترین آثار حکومت مبارک است. پشتیبانی او از آمریکا در جنگ خلیج فارس از مصادیق بارز این امر است» (کریمی، ۱۳۸۲: ۷۸). در این زمینه نیز شاهد مواردی در رمان هستیم که با حقیقت خارجی انطباق کامل دارد. «تأکید می‌کنم که حکومت مصر مانند کوه پابرجاست و ارتباطی تنگاتنگ با دولت آمریکا دارد... تا زمانی که حکومت مصر در راستای مصالح آمریکا حرکت می‌کند، دولت آمریکا با او کاری ندارد» (اسوانی، ۲۰۰۷: ۳۵۸). و در جای دیگر: «اگر حمایت آمریکا نبود، حکومت مصر حتی یک روز نیز دوام نمی‌آورد» (همان: ۳۶۱).

در هر صورت با در نظر گرفتن حوادث رمان شیکاگو و شخصیت‌های آن، می‌توان ادعا نمود که اسوانی حوادث داستان را بدون دخالت دادن دیدگاه‌های شخصی و فردی خود و در تطابق کامل با جامعه مصر و دیدگاه جمعی (ایدئولوژی حاکم بر طبقه خود یعنی قشر روشنفکر و تحصیل کرده خارج از مصر) به نگارش در آورده است. اظهار نظر در مورد حکومت عبدالناصر - که حسنی مبارک وارث نظام حکومتی وی بود - و نقد آن نیز در همین راستا قرار می‌گیرد. هنگامی که دکتر صلاح پس از سالها با نامزد مصری خود زینب تماسی تلفنی برقرار می‌کند و در مورد اوضاع نابسامان مصر مطالبی می‌شنود از زینب اینگونه می‌پرسد: «آیا عبدالناصر مسئول همه این‌ها نیست؟... با خنده پاسخ داد: آیا می‌خواهی دعواهایمان را در مورد عبدالناصر از سر بگیریم؟... بزرگترین خطای عبدالناصر این بود که او دموکراسی را برای ما محقق نکرد و حکومتی نظامی را برجای گذاشت تا افرادی که نسبت به او وفاداری و لیاقت کمتری داشتند [حسنی مبارک] آن

را به ارث برند» (همان: ۳۸۲). منابع تاریخی نیز این گونه به این حقیقت اشاره می‌کنند: «در بین مبادی سه‌گانه ناصر یعنی ایجاد ارتش قوی، برپایی عدالت اجتماعی و زندگی دموکراتیک، تنها ایجاد ارتش قوی واقعیت پیدا کرد. اصل عدالت اجتماعی... جای خود را به ظلم اجتماعی داد» (عوض، ۱۹۸۷: ۶۶). در کنار این امر، به وقوع پیوستن حوادث داستان در بستری مکانی خارج از مصر - شیکاگو - از یک طرف به جذابیت رمان کمک شایانی نموده و از طرف دیگر محدوده آزادی‌های فردی و اجتماعی قهرمانان داستان را در بیان دیدگاه‌های شخصی و عقیدتی خود باز نموده است. در نتیجه هر شخصیت در رمان بدون ترس از فشارهای خارجی و سیستم‌های امنیتی، به راحتی به بیان دیدگاه‌های خود می‌پردازد. جمع این مؤلفه‌ها به اسوانی کمک نموده تا رمانی اجتماعی سیاسی بیافریند که در آن ساختاری معنادار و منطبق بر واقعیت‌های اجتماعی نهفته در مصر در دهه آخر حکومت حسنی مبارک قابل مشاهده باشد.

ب. بازتاب ساختارهای معنادار رمان در بستر جامعه

یکی دیگر از ویژگی‌های رمان‌های اجتماعی که ریشه در رابطه متقابل هنر و جامعه از دیدگاه نقد جامعه‌شناختی دارد، ظهور و بروز بستر اجتماعی حقیقی جامعه در رمان است، نه آن بستری که نویسنده خود را خالق آن می‌داند. بدین معنا که نگارنده رمان اجتماعی از آنجا که نماینده یک طبقه اجتماعی خاص است، بر اساس نقد جامعه‌شناختی باید همه تلاش خود را به کاربندد تا بتواند جامعه را همان‌گونه که هست (رنالیسم اجتماعی) نه همان‌گونه که دوست دارد (رمانتیسیم اجتماعی/جامعه‌گرا) در آثار خود برجسته سازد.

با توجه به آنچه گذشت، اسوانی تلاش داشته تا محیط اجتماعی پیدا (شیکاگو) و ناپیدای (مصر) در رمان خود را به همان شیوه که هست در اثر خود به نمایش گذارد. نوع صحبت اسوانی از محیط غیر اخلاقی و بعضاً متوحش شیکاگو از یک طرف و نیز ناهنجاری اداری و سیاسی موجود در جامعه مصر از طرف دیگر، مؤید این دیدگاه است. آنچه در مرحله دریافت و در مبحث دگرگونی شخصیت‌های رمان بیان شد نیز

در همین راستا قرار می‌گیرد. چنانچه ملاحظه شد، دگرگونی شخصیت‌های رمان تقریباً به طور کامل در جهت منفی قرار داشت؛ تنها استثنا در این مورد ناجی عبدالصمد بود که آن‌هم بدون تغییر و نه با تغییر مثبت همراه بود. در حقیقت تلاش اسوانی چیزی جز به تصویرکشیدن جامعه مصری (چه در مصر و چه در آمریکا) با کمی چاشنی بدبینی، نیست. «در کنار عوامل سیاسی، تبیین‌های اجتماعی و اقتصادی نیز با تمرکز بر بی‌عدالتی اجتماعی، شکاف‌های فرهنگی و اقتصادی، افزایش میزان بیکاری و فقر، فساد حلقه نزدیکان مبارک و رانتیریسیم، پاسخی را برای چرایی سقوط مبارک فراهم می‌کند» (نبوی، ۱۳۹۴: ۳۱). البته وی در برابر ناهنجاری‌های اجتماعی شیکاگو نیز همین عملکرد را از خود نشان می‌دهد.

به عنوان نمونه اسوانی از زبان رأفت ثابت علیه مصر و هر آنچه رنگ و بوی مصری دارد سخن می‌گوید: «مصری‌ها به خاطر خود علم و دانش به سراغ آن نمی‌روند... آنها مدرک ارشد یا دکترا می‌گیرند... تا پست و مقامی به دست آورند... برای اینکه مدرک ارشد خود را به دیوار مطبخ آویزان کند و بیماران را قانع کند که توانایی در مان آنها را دارد.» (اسوانی، ۲۰۰۷: ۲۷). یا دکتر صلاح را به عنوان یک دکتر مصری، محتاج ازدواج با یک خدمتکار آمریکایی می‌داند تا از این راه بتواند اقامت آمریکا را بگیرد: «صلاح، تو می‌خواستی تابعیت آمریکا بگیری، بنابراین به میخانه رفته‌ای و با یک خدمتکار بینوا و مطلقه و تنها آشنا شده‌ای... تا با تو ازدواج کند و به واسطه آن تابعیت بگیری.» (همان: ۱۲۵) و ده‌ها مورد مشابه دیگر که همگی در تطابق با رخدادهای سیاسی-اجتماعی مصر در دهه آخر حکومت حسنی مبارک است و نتیجه آن هم اعتراض گسترده و یک‌پارچه به حکومت حسنی مبارک از سوی شخصیت‌های رمان است.

ج. اعتراض به وضع موجود

یکی از ویژگی‌های رمان‌های اجتماعی، فریاد اعتراض رسا و یا نهفته‌ای است که در شخصیت‌های رمان وجود دارد. اسوانی به تمامی شخصیت‌های بازی رمان، مجال و زمینه اعتراض می‌دهد، اعتراضی که خود، پژواکی است از اعتراض مردم مصر به سال‌ها

حکومت دیکتاتورگونه حسنی مبارک. «مبارک در دهه ۹۰ میلادی عمده مطالبات گروه‌های سیاسی مخالف برای ایجاد اصلاحات را رد و سعی کرد تا روند و ساز و کارهای دموکراتیک را برای جلوگیری از تقویت و نقش‌آفرینی گروه‌های مخالف، محدود و کنترل کند. در سراسر دهه ۹۰ م رژیم مبارک به سرکوب شدید مخالفان خود مشغول بود و این امر با گذشت زمان، شدتی بیشتر پیدا می‌کرد» (صالحی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۳۹). خود حسنی مبارک نیز نه تنها از این امر آگاه بود که حتی آشکارا بر آن صحنه می‌گذاشت تا جایی که در یکی از سخنرانی‌های خود اعلام کرده بود که «امیدوارم از آزادی‌های موجود در مصر برای برهم زدن امنیت ملی استفاده نشود که در این صورت به کسی رحم نخواهم کرد» (مقدس و اکوانی، ۱۳۹۱: ۱۰۱).

هر کدام از تیپ‌های شخصیتی داستان شیکاگو، به نوعی به وضعیت موجود خود اعتراض می‌کند. این اعتراض یا در دل واژه‌ها و سخنان نمود می‌یابد و یا در رفتار و کردار شخصیت‌ها به منصفه ظهور می‌رسد. گریه کارول همسر گراهام به خاطر اخراج از کار بدون هیچ دلیلی جز رنگ سیاه پوستش و تن دادن وی به تبلیغ‌های نیمه مستهجن برای برخی محصولات زنانه یکی از این گونه اعتراض‌ها است که با نوعی یأس و سرخوردگی و شکست همراه است، چرا که گوش شنوایی برای آن وجود ندارد: «کارفرما مانند خوک بود، به محض اینکه دید من سیاه‌پوستم مصاحبه را تمام کرد و گفت بعدا به من زنگ می‌زند... با من مانند یک خدمتکار برخورد کرد... چقدر احساس خواری می‌کنم.» (اسوانی، ۲۰۰۷: ۱۹۷).

در عالم واقع نیز اعتراضات گسترده سیاهان در کشورهایمانند فرانسه و آمریکا و... جز سرکوب، نتیجه دیگری برای آنها دربر نداشته است. سخنان رأفت ثابت علیه مصر و نپذیرفتن اصالت مصری خود و تأکید فراوان بر آمریکایی بودنش «با توجه به اینکه من زمانی - در گذشته‌ها - مصری بوده‌ام خوب می‌دانم که مصری‌ها چگونه می‌اندیشند.» (همان: ۲۷) نیز در همین مقوله قرار می‌گیرد. در حقیقت رأفت ثابت با بیان نفرت شدید از مصری‌ها و ستایش بیش از حد آمریکایی‌ها نوعی فرار به جلو داشته و به مصری بودن خود اعتراض دارد. اعتراضی که از همان نقطه شروع محکوم به شکستی

نامیدکننده است؛ تا جایی که از سوی دخترش نیز به مصری بودن (در معنای منفی آن) محکوم می‌گردد.

ناجی عبدالصمد را باید نماینده تام و تمام فریاد اعتراض در رمان شیکاگو دانست. وی که در مصر از معترضان حکومت حسنی مبارک بوده بعد از اخراج از دانشگاه و به نوعی پناهنده شدن به آمریکا نیز دست از اعتراض‌های خود برنداشته و با مشکلات فراوانی نیز روبرو می‌شود، تا جایی که معشوقه او که دختری یهودی است وی را ترک کرده و سرانجام با همکاری پلیس ضد تروریسم آمریکا و مصر و با ادعای اتهاماتی علیه وی، به جرم تروریست بودن دستگیر شده و عازم سرنوشتی نامعلوم می‌گردد.

در نهایت باید گفت رمان شیکاگو به نوعی رمان اعتراض است، اما اعتراض‌های معترضان در این رمان تقریباً هیچ‌گاه به نتیجه مطلوب نمی‌رسد و در نهایت شخص معترض یا تسلیم می‌گردد و یا به نوعی نابود می‌شود. البته این دیدگاه اسوانی، بیشتر به خاطر برانگیختن مصریان علیه آنچه در جامعه مصری و در زیر لایه‌های پنهان آن در جریان بوده، بر رمان حاکم گذشته است. به عبارت دیگر اسوانی خواسته با این عمل، ضمن تزریق جهان‌بینی طبقه اجتماعی خود در قالب رمان به جامعه مصری، مردم مصر را به قیام علیه این ناعدالتی‌ها تشویق نماید. در نهایت نیز قیام مردم مصر علیه حسنی مبارک و سرنگونی نظام وی نتیجه پایانی بود.

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر به نقد جامعه‌شناختی رمان شیکاگو نوشته علاء الأسوانی بر پایه نظریه ساختارگرایی تکوینی گلدمن اختصاص داشت. با مطالعه رمان شیکاگو و ساختار درونی اثر، مشخص شد که این رمان امکان بررسی و نقد جامعه‌شناختی را داراست. زیرا اسوانی با اثرپذیری از محیط اجتماعی مصر دست به نگارش آن زده تا از طریق شخصیت‌های رمان، که بیشتر آنها نماینده قشر روشنفکر و تحصیل کرده مصر هستند، بتواند پرده از برخی آفت‌های اجتماعی پیدا و پنهان در این طبقه برداشته و آنها را به

نقد و اعتراض بکشاند. هرچند این رمان درون‌مایه‌ای سیاسی اجتماعی دارد، ولی اسوانی تمامی تلاش خود را به کار برده تا در کنار نقد جامعه مورد نظر، هیچ‌گاه دیدگاه‌های فردی و شخصی خود را به صورت غیر منطقی و یک سویه به فضای رمان حاکم نگرداند؛ ولی در عین حال دیدگاه ایدئولوژیک خود مبنی بر ناراضایتی کلی از حکومت مصر را بر زبان شخصیت‌های تماتیک رمان جاری می‌سازد.

اسوانی به خوبی توانسته میان جهان اجتماعی رمان که فضایی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است با قشر تحصیل کرده و روشن فکر مصری، ارتباطی عمیق و تنگاتنگ ایجاد کند و همین ارتباط به عنصر سازنده جهان تخیلی رمان شیکاگو بدل می‌گردد؛ به این معنا که تمامی حوادث رمان به نوعی به این طبقه مربوط است و نتایج به دست آمده از آن هم مستقیماً بر همین طبقه اثر می‌گذارد. بنابراین موضوعات محوری این رمان عبارت است از تقابل سنت و مدرنیته، ناراضایتی قشر تحصیل کرده و روشن فکر مصری از حکومت حسنی مبارک، فساد سیاسی و اداری حاکم بر مصر و تبعیض و اعمال فشار و محرومیت به خاطر اعتقادات مذهبی.

تقابل سنت و مدرنیته در رمان در برخورد شخصیت‌های تحصیل کرده‌ای مانند ناجی عبدالصمد، دکتر صلاح، دکتر کرم و... با فرهنگ آمریکایی و تقابل آن با فرهنگ مصری بروز و نمود می‌یابد. در عالم واقع نیز تقابل سنت و مدرنیته به ویژه در اواخر حکومت حسنی مبارک جامعه مصر را با بسیاری از چالش‌ها روبرو کرده بود. ناراضایتی قشر تحصیل کرده و روشن فکر مصری از حکومت حسنی مبارک نیز در ابعاد مختلف وجودی آن در رمان شیکاگو به تصویر کشیده شده؛ این ناراضایتی‌ها دلایل سیاسی، عقیدتی و مذهبی مختلفی داشته ولی در نهایت نتیجه واحدی را در پی دارد؛ در عالم واقع نیز یکی از اصلی‌ترین مخالفان حکومت مصر در جریان انقلاب، قشر تحصیل کرده بوده است.

فساد سیاسی و اداری و بروکراسی حاکم بر مصر که با استناد به منابع تاریخی بیان شده بود نیز در رمان شیکاگو نمود مشخص و بارزی داشت. برخی ساختارهای معنادار

دیگر رمان مانند اعتراض سیاه‌پوستان به وضعیت خود، از هم‌پاشیدگی بنیان خانواده در آمریکا، از خودبیبگانگی فرهنگی برخی از روشنفکران مصری و... نیز در تطابق کامل با عالم خارج و بستر اجتماعی جامعه قرار داشت. از طرفی رمان شیکاگو را باید نماینده تمام عیار یک رمان معترض نیز دانست. شخصیت‌های رمان در برابر مسائل جامعه واکنش نشان می‌دهند، اعتراض می‌کنند، از آرمان‌های خود دفاع می‌کنند و در برابر مخالفان موضع تهاجمی می‌گیرند.

در کنار این موارد اسوانی در زمینه عناصر داستان نیز در رمان خود به خوبی عمل کرده و توانسته حوادث داستان را در بستری ادبی و زبانی شیوا و رسا به خواننده ارائه دهد. همه این عوامل باعث شده تا رمان شیکاگو به عنوان به رمان موفق و کارآمد هم در زمینه اجتماعی و هم در عرصه داستان نویسی در کشورهای عربی مطرح شده و جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص دهد.

منابع و مأخذ

- آلت، میریام (۱۳۸۰) رمان به روایت رمان نویسان. ترجمه: علی محمد حق‌شناس. چاپ دوم، تهران: مرکز.
- اسوانی، علاء (۲۰۰۷م) شیکاگو، چاپ اول، مصر: دار الشروق.
- افضلی، زهرا، صلاح‌الدین عبدی و میترا خدادادیان (۱۳۹۵) «نقد رمان عمارت یعقوبیان اثر علاء الأسوانی بر اساس نظریه رئالیسم در نظریه جامعه‌شناختی جورج لوکاک»، دوفصلنامه علمی پژوهشی نقد ادب معاصر عربی، سال ششم، دوازده پیاپی: صص ۵۷-۸۰
- جزینی، محمد (۱۳۸۷) پنج مقوله تئوری در ادبیات داستانی، چاپ اول، تهران: نشر نخل.
- سارتر، ژان پل (۱۳۷۰) ادبیات چیست؟ ترجمه: ابوالحسن نجفی و مصطفی رحیمی. چاپ هفتم، تهران: کتاب زمان
- سلدن، رمان و پیتر ویدوسون (۱۳۷۷) راهنمای نظریه ادبی معاصر، ترجمه: عباس مخبر، چاپ دوم، تهران، نشر طرح نو.

- شهبازی، آرزو، مریم حسینی و عسگر عسگری حسنکلو (۱۳۹۳) «نقد ساختارگرایی رمان همسایه‌ها اثر احمد محمود»، فصلنامه تخصصی مطالعات داستانی، سال دوم، شماره سوم، بهار ۱۳۹۳: صص ۶۶-۹۱
- صالحی، سید جواد، عباس فرح بخش و ایوب فرج زاده (۱۳۹۱) «طبقه متوسط جدید و جالش‌های سیاسی حکومت مصر از دهه ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۱ میلادی»، فصلنامه مطالعات جهان اسلام، سال اول، شماره ۱، صص ۱۴۶-۱۲۵.
- طلوعی وحید و محمد رضایی (پاییز ۱۳۸۶) «ضرورت کاربست ساختارگرایی تکوینی در جامعه‌شناسی ادبیات (ساختارگرایی تکوینی در مقام روش)»، مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۳، دوره هشتم: صص ۲۷-۳.
- عسگری حسنکلو، عسگر (۱۳۸۵) «نقد اجتماعی رمان معا صر فارسی»، رساله دکتری زبان و ادبیات فارسی، استاد راهنما: ناصر نیکوبخت، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده ادبیات.
- _____، _____ (۱۳۸۶) «سیر نظریه‌های نقد جامعه‌شناختی ادبیات»، مجله ادب پژوهی، زمستان و بهار، شماره ۴: صص ۶۴-۴۳.
- علایی، مشیت (۱۳۸۰) «نقد ادبی و جامعه‌شناسی»، کتاب ماه و ادبیات و فلسفه، شماره ۱۰ و ۱۱، سال چهارم، مرداد و شهریور: صص ۳۳-۲۰.
- عوض، لوئیس (۱۹۸۷) *أفئعة الناصرية السبعة، الطبعة الأولى، بیروت: دار الرقی.*
- فراروتی، فرانکو (۱۳۷۷) «لوکاج، گلدمن و جامعه‌شناسی رمان». درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات: مجموعه مقاله، گزیده و ترجمه محمد جعفر پوینده، تهران: انتشارات نقش جهان.
- کریمی، جواد (۱۳۸۲) «تحلیل تاریخی جنگ دوم خلیج فارس»، مجله تاریخ روابط خارجی، شماره ۱۶، صص ۷۵-۹۴
- کوثری، مسعود (۱۳۷۹) *تأملاتی در جامعه‌شناسی ادبیات*، تهران: انتشارات باز.
- گلدمن، لوسین (۱۳۷۱) *جامعه‌شناسی ادبیات (دفاع از جامعه‌شناسی رمان)*، ترجمه: محمد جعفر پوینده، چاپ اول، تهران: نشر هوش و ابتکار.
- _____، _____ (۱۳۷۶) *پیوند آفرینش ادبی با زندگی اجتماعی*، ترجمه: محمد جعفر پوینده، تهران: نشر چشمه.
- لوکاج، گئورگ (۱۳۸۴) *پژوهشی در رئالیسم اروپایی*، ترجمه: اکبر افسری، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

نقد جامعه‌شناختی رمان شیکاگو اثر علاء الأسوانی بر پایه نظریه ساختارگرایی تکوینی ۱۶۷

- ماضی، عبدالفتاح (۲۰۰۸) «انتخابات ۲۰۰۵ الرئاسه فی مصر انتخابات بلادیمقراطیه و بادیمقراطیین»، العربیه للعلوم السیاسیه؛ العدد ۱۸: ۸۱-۹۸.
- المدینی، توفیق (۲۰۱۱) «ربیع الثورات الیدیمقراطیه العربیه»، المستقبل العربی؛ العدد ۳۸۶: صص ۱۳۲-۱۱۳.
- مقدس، محمود و سید حمدالله اکوانی (۱۳۹۱) «انقلاب مصر: برآیند نظام الیگار شیک و توسعه نیافتگی»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه؛ ج ۱۹، ش ۷۱: صص ۹۳-۱۱۸.
- مهرگان، امید (۱۳۸۸) زیبایی شناسی انتقادی، چاپ سوم. بی‌جا، گام نو.
- میرصادقی، جمال (۱۳۸۰) عناصر داستان، چاپ چهارم، تهران: انتشارات سخن.
- نبوی، سید عبدالأمیر و صالح زمانی (۱۳۹۴) «فروپاشی حکومت مبارک در مصر، یک تحلیل ساختاری»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، سال ششم، شماره ۴۲: صص ۵۹-۲۸.
- نصر اصفهانی، محمد رضا و میلاد شمعی (زمستان ۱۳۸۸) «نقد جامعه‌شناختی رمان جای خالی سلوچ اثر محمود دولت‌آبادی»، نشریه جامعه‌شناختی کاربردی، سال ۲۰، شماره ۴، پیاپی ۳۶: صص ۱۶۸-۱۵۱.

النقد الإجماعى لرواية شيكاجو لعلاء الأسوانى استناداً الى نظرية البنيوية التكوينية

محمودرضا توكلى محمدى^١

محمدعلى آذرشب^٢

الملخص

يسعى النقد الإجماعى الذى يعدُّ إحدى النظريات الجديدة التى ظهرت فى الأدب كى يبين الصلة بين النص الأدبى وبين المجتمع. وفق هذه النظرية هناك صلة وثيقة وثنائية الجانب بين النصوص الأدبية والبيئية الإجتماعية التى تولد فيه النص الأدبى وتعتقد النظرية بأن المجتمع يؤثر فى الكاتب، فيدفعه إلى خلق الآثار الأدبية المرتبطة بالمجتمع والثقافة ال سائدة فيه، والعمل الأدبى أيضا بدوره يؤثر فى المجتمع بطرق مختلفة. من أهم منظرى هذه النظرية يمكننا أن نشير إلى جورج لوكاتش ولو سيان غولدمان. هذا المقال يسعى بين دفتيه أن يحلل رواية "شيكاجو" لعلاء الأسوانى على أساس المنهج الوصفى التحليلى وفى إطار النقد الإجماعى. فحاول البحث أن يدرس الرواية فى مرحلتى التلقى وال شرح وأن يلقى النظر على شخصيات الرواية ومضمونها والظروف السياسية والإجتماعية المتعلقة بالرواية فى هذا الصدد. مما حصل من النتائج يمكن أن نشير الى أن الأسوانى وبالتأثر بالمجتمع المصرى والأوضاع الإجتماعية السائدة فى مصر فى زمن رياسة حسنى مبارك، حاول أن يتطرق الى العوائق والمشكلات الموجودة أمام المفكرين والمثقفين المصريين داخل مصر وخارجها ويحلل هذه المشكلات وينقدها. لروايات الأسوانى ومنها رواية "شيكاجو" دوراً هاماً فى تنوير أذهان المصريين وحدوث الثورة المصرية.

الكلمات الرئيسية: النقد الإجماعى، البنيوية التكوينية، جلدمن، علاء الأسوانى، رواية شيكاجو.

١ - باحث مرحلة ما بعد الدكتوراه، جامعة طهران

٢- استاذ جامعة طهران

**The sociological criticism of Ala Asvani's novel "Chicago"
based on the theory of generative structuralism**

¹Mahmoodreza Tavakkoli Mohammadi, Post-doctoral Researcher, Tehran University

Mohammad Ali Azarshab, Professor, Tehran University

Received: 25-12-2018

Accepted: 27-09-2019

Abstract

Social criticism is one of the new theoretical frameworks that have emerged in literature. It seeks to shed light on the link between the literary text and the community and considers that the society influences the author. This influence leads to the creation of literary effects that are associated with the society and culture in which the text is born. Literary works also affect the society in different ways. George Lochatch and Lucian Goldman are among the most important theoreticians of this theory. In this regard, the present study seeks to analyze the novel "Chicago" written by Alaa Asvani. The results show that Asvani, influenced by the Egyptian society and the prevailing social conditions in Egypt during the presidency of Hosni Mubarak, has tried to address the obstacles and problems facing Egyptian intellectuals inside and outside Egypt. He then analyzes and reviews these problems. Asvani's novels, including "Chicago", play an important role in enlightening Egyptians and revolutionizing Egypt.

Keywords: Social criticism, Alaa Asvani, The novel of Chicago, Goldman, Generative structuralism.

1- Corresponding Author Email: mrtavakoly@yahoo.com